

ماهنامه ریسک کشوری اکتبر ۲۰۰۸

گروه ریسک کشوری و همکاریهای بین المللی



صندوق ضمانت صادرات ایران



اکوادور



حوزه بالتیک



ایسلند



اکراین



روسیه



امارات متحده عربی



پاکستان



کنیا



ج.د.کنگو

آبانماه ۸۷

آفریقا

جمهوری دموکراتیک کنگو: پیشرفت شورشیان در شرق کنگو

وقایع: رئیس جمهور این کشور، «ژوزف کابیلا» دولت جدید خود را به ریاست نخست وزیر، «آدولف موزیتو» منصوب نمود. پستهای جدیدی ایجاد شده ولی «مارتین کابولولو» هنوز وزیر معادن می باشد. سایر سمتهای کلیدی همچون وزیر دارائی نیز تغییر نکرده است. در همین حین، علیرغم قراردادهای صلح منعقد، خشونتهای داخلی یکبار دیگر شعله ور گردید. فرمانده گروهان «موناک» (ماموران سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو)¹ بنا به دلایل ظاهراً شخصی استعفا داد، اما بنابر گزارش خبرگزاریها استعفای وی بدلیل ناامیدی و احساس محکوم به شکست بودن مأموریت سازمان ملل در آن کشور می باشد. در واقع شورش «کنگره ملی برای دفاع مردمی»² غیر قابل اجتناب می باشد. ژنرال شورشی این کنگره، بنام «نکندا»، کنترل چندین روستا در «کیوو» را در دست گرفته، و ادعا می کند که قصد دارد به «گوما»، مرکز استان شرق کیوو حمله نماید.

تأثیر بر ریسک کشوری: این جنگ احتمالاً اصلاحات بسیار ضروری اقتصاد را به تاخیر انداخته و استفاده از منابع محدود این کشور را به بیراهه خواهد کشاند. بنابراین، علاوه بر بحران انسانی در «کیوو»، بهبود اوضاع اقتصادی کل کشور در مخاطره می باشد.

کنیا: اخلال در روند توسعه گردشگری بواسطه بحران اقتصاد جهانی

وقایع: دو گروه، خشنونتهای قومی به وقوع پیوسته بعد از انتخابات دسامبر ۲۰۰۷ را مورد بررسی قرار داده اند. یکی از این گزارشات «کمیسیون انتخابات کنیا» را به تقلب متهم می نماید و گزارش دیگر توصیه می کند ترجیحاً تا قبل از تشکیل یک دادگاه ویژه جدید، سیاستمداران ارشد هر دو جناح محاکمه شوند. اگرچه فعالان حوزه گردشگری انتظار دارند (و یا حداقل امید دارند) که بواسطه انتخابات آمریکا، شکوفائی جدیدی در حوزه گردشگری این کشور اتفاق بیفتد، ولی بحران اقتصاد جهانی مانع احیاء صنعت گردشگری این کشور است. بعلاوه، حواله پول از سوی افراد کنیائی ساکن در آمریکا و سایر کشورهای غربی در طی ماههای گذشته کاهش یافته است.

¹ United Nations Mission in the Democratic Republic of Congo

² Congres National pour la Defense du Peuple(CNDP)

تأثیر بر ریسک کشوری: احتمالاً بواسطه کاهش درآمدهای ارزی وضعیت نقدینگی خارجی بدتر خواهد شد، این درحالیست که صندوق بین المللی پول پیش بینی می نماید رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۸ فقط ۳/۳٪ خواهد بود. بنابراین ضروریست که با گزارشهای مربوط به شورشهای بعد از انتخابات به درستی برخورد شود، زیرا یک بحران سیاسی دیگر عواقب بسیار عمیق و خارج از کنترلی خواهد داشت.

پاکستان: تعمیق بحران اقتصادی، بروز ریسک قصور در پرداخت بدهی های خارجی

وقایع: بعد از بروز اتفاقات پیاپی که اوضاع این کشور را رو به وخامت کشاند، پاکستان با بحران اقتصادی جدی روبه رو شده است. در چنین محیط بی ثبات سیاسی و ناامنی فزاینده، اوضاع اقتصادی بدتر شده است و این در حالیست که افزایش شدید قیمت های نفت باعث شده که تورم در این کشور به نرخ دورقمی رسیده و واردات بسیار زیاد نفت برای پاکستان بسیار گران تمام شود. عوامل فوق الذکر بعلاوه کاهش صادرات این کشور، به دو برابر شدن کسری حساب جاری در طی یکسال منجر شد. با توجه به خروج هنگفت سرمایه از سوی سرمایه دارانی که اعتماد خود را به این اقتصاد بسیار وابسته به سرمایه های خارجی از دست داده اند، تامین مالی در این کشور مشکل تر شده است. متعاقباً ذخایر ارزی پاکستان به میزان نگران کننده یعنی فقط ۱/۵ ماه پوشش واردات نزول یافته است. بحران مالی جهانی و کمبود اعتبارات به پول این کشور، روپیه نیز صدمه زده است، این در حالیست که از ماه ژانویه روپیه بطور مداوم کاهش ارزش داشته است. مقامات پاکستان در حال حاضر بدنبال کمکهای دو جانبه و چندجانبه منجمله وامهای صندوق بین المللی پول می باشند.

تأثیر بر ریسک کشوری: با خروج گسترده سرمایه که باعث تهی سازی سریع ذخایر ارزی خارجی و سقوط ارزش روپیه گردیده، چشم انداز اقتصادی این کشور نومید کننده به نظر می رسد. پاکستان برای تأمین مالی بخشی از واردات خود و اجتناب از قصور بدهی های خارجی سررسید شده، نیاز به کمک های فوری دارد. به نظر می رسد کمک صندوق بین المللی پول اجتناب ناپذیر باشد.

امارات متحده عربی: بازار ضعیف و ناپایدار مسکن در دومی

وقایع: بحران مالی جهان به بخش املاک دومی نیز سرایت نموده و به وضوح مشاهده می گردد که شرکت «نخیل» فعالیت های لایروبی دریا برای احداث پروژه Palm Deira را به حالت تعلیق درآورده است. این باور وجود دارد که بدهی خارجی ناخالص دومی از ۱۰۰٪ تولید ناخالص داخلی امارات فراتر رفته است. در صورت مواجهه با مشکلات، ممکن است دومی و همچنین امیرنشین های کوچک تر نیاز یابند تا به دولت فدرال یا ابوظبی - امیرنشین غنی از نفت که مالک ADIA (سازمان سرمایه گذاری ابوظبی) نیز می باشد - اتکا کنند. ADIA یکی از بزرگترین صندوق های دارائی دولت است و دارائی های خارجی آن با برآوردی محافظه کارانه تقریباً به ۴۱۰ میلیارد دلار می رسد.

تأثیر بر ریسک کشوری: اغلب ناظران انتظار دارند که دولت فدرال و یا ابوظبی در صورت لزوم، سایر امیرنشین ها را کمک مالی نمایند و ابوظبی ابزارهای مالی فراوانی برای انجام چنین کاری را دارد. بعلاوه، قیمت تعادلی نفت برای تراز مالی ۲۰۰۸ این کشور در رقمی پایین تر از ۳۰ دلار در بشکه تعیین گردیده و بعید به نظر می رسد که کاهش شدید قیمت های نفت باعث مشکلات شدید مالی شود. بنابراین با وجود نامطلوب شدن چشم انداز اقتصادی این کشور، به نظر می رسد امارات متحده عربی بتواند بحران جاری را مدیریت کند.

روسیه: لحظاتی سخت اما قابل کنترل

وقایع: کمبود اعتبارات جهانی ضربه اساسی به روسیه وارد خواهد نمود زیرا باعث کاهش نقدینگی در بخش بانکی این کشور و محدودیت شدید اعتبارات بانکی شده است. از آنجا که پس اندازهای داخلی کم شده اند، اعتبارات ارزان خارجی از طریق بانکهای خارجی، سرمایه گذاری های بلندمدت روسیه را تأمین مالی می نمایند. بازار سرمایه داخلی توسعه نیافته، روسیه را آسیب پذیر می سازد. به ویژه بخش انرژی - مواجه با الزامات وسیع و گران سرمایه گذاری - بدهی های خارجی شدیدی را ایجاد نموده است. در حال حاضر ذخایر ارز خارجی ۱۵ میلیارد دلار در هفته کاهش می یابد، در حالیکه مسکو نیز تلاش می کند تا از روبل و خطوط اعتباری گشایش شده برای بانکهای بزرگ و شرکتهای استراتژیک حمایت نماید.

تأثیر بر ریسک کشوری: حتی اگر ذخایر ارزی در سطح موثری باقی بمانند، تلاش روسیه همچنان در راستای حمایت از بانکهای بزرگ و شرکتهای استراتژیک تمرکز خواهد یافت. شرکتهای خارجی فعال در روسیه، در صورت مواجهه با کمبود نقدینگی خارجی، نباید به هرگونه کمکی امیدوار باشند. اگر اقدامات حمایتی به تحقق نرسد، محدودیتها بیشتر خواهد شد و یک تلفیق - بسیار ضروری - در بخش بانکی روی خواهد داد، زیرا بانکهای کوچک کم سرمایه که در فهرست دولت برای بهره مندی از کمکها قرار ندارند ورشکست می شوند. از آنجا که دولت و بانکهای دولتی بر سر آنکه چه کسی و بر اساس چه شرایطی این کمک را دریافت نمایند، مهمترین مرجع تصمیم گیری می باشند، امکان افزایش بیشتر مایملک دولت در دارائی های استراتژیک وجود دارد.

اوکراین: طوفان کامل اقتصادی در حال شکل گیری

وقایع: در مقابل این بحران رو به گسترش، اوکراین در بین بازارهای نوظهور بعنوان آسیب پذیرترین بازار نشان داده است. علاوه بر نیازهای تأمین مالی خارجی، سیستم مالی توسعه نیافته، پول ملی تحت فشار و بالاترین تورم در بین کل کشورهای اروپائی، اوکراین تلاش می کند تا بر بن بست سیاسی موجود فائق آید. این عوامل در مجموع باعث می شود که کشور دیر یا زود، در مقابل تعهدات کوتاه مدت خود از پای درآمد. وام بزرگ ۱۶/۷ میلیارد دلاری صندوق بین المللی پول اعلام شده در اواخر اکتبر، تنها راه موفقیت آمیز باقیمانده برای چیره شدن بر مشکلات کوتاه مدت اوکراین است.

تأثیر بر ریسک کشوری: حمایت صندوق بین المللی پول قاطعیت سیاسی اوکراین را به بوته آزمایش خواهد گذاشت، زیرا بدون اقدامات اصلاح ساختاری، این حمایت تنها به منزله ائتلاف پول خواهد بود. از آنجائیکه هزینه های اجتماعی باید کاهش یابد و در ضمن انتخابات عمومی و ریاست جمهوری نزدیک بوده و توده گرائی رایج می باشد، اعمال سستهای بودجه ای بسیار سخت خواهد بود. به هر حال، با وجود تحت فشار قرار داشتن پول ملی و قرار گرفتن اقتصاد در آستانه رکود، اوکراین دارد زمان و گزینه های خود را از دست می دهد.

ایسلند: کمک‌های چشمگیر، نجات دهندهٔ ایسلند ورشکسته

وقایع: بحران مالی جهان، آسیب جدی بر ایسلند وارد نموده است. طی ۵۰ سال گذشته، رشد اقتصادی کشور عمدتاً بواسطه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و سپرده‌های جذب شده از سوی سیستم بانکی بیش از حد قانون زدائی شده و رقابتی این کشور فراهم گردیده است. چنین اقتصادی که به طور قابل توجهی از طریق کسب اعتبارات تأمین مالی شده، بدون اینکه اقتصاد آن کشور بتواند واقعا آنرا را جبران نماید، ایسلند را شدیداً متکی بر نوسانات بازارهای مالی نموده است. در اوایل اکتبر ۲۰۰۸، دولت اقدامات اضطراری را اجرا و سه بانک برتر را ملی نمود. در این بین، کاهش شدید کرون منجر به آن شد تا بانک مرکزی عملیات ارزی خارجی را به طرز چشمگیری محدود سازد. در حال حاضر، ایسلند فعالانه در پی دریافت کمک‌های مالی از بانکهای مرکزی اسکاندیناوی و ژاپنی می‌باشد و با صندوق بین‌المللی پول نیز به پیش توافقاتی در مورد وام ۲/۱ میلیارد دلاری رسیده است. کل کمک‌های دریافتی این کشور ۶ میلیارد یورو برآورد می‌شود.

تأثیر بر ریسک کشوری: بخاطر کمک‌های خارجی، کشور از ورشکستگی کامل نجات می‌یابد. با این وجود، اوقات سختی در پیش رو می‌باشند: تجارت خارجی کاهش خواهد یافت، مصارف خصوصی و سرمایه‌گذاری بعلت بحران اعتبارات کمتر خواهد شد و اثرات منفی بر بازار نیروی کار خواهد داشت. این مسئله یک شوک سخت برای کشوری است که قبلاً یکی از بزرگترین تولیدناخالص داخلی‌های سرانه را داشت و نرخ بیکاری آن بسیار کمتر از متوسط نرخ بیکاری OECD بود.

حوزه بالتیک: به انتظار لتونی

وقایع: با وجود ایسلند متلاشی و مجارستان و اوکراین مشکل دار، به نظر می‌رسد لتونی کشور بعدی باشد که به این فهرست اضافه شود. تاکنون لتونی و همسایگان بالتیک آن توانسته‌اند خود را از مشکل بحران جهانی دور نگاه دارند. با این وجود، تمامی عناصر برای فرارسیدن یک فاجعه اقتصادی مهیاست. اقتصاد لتونی چندین سال با فعالیت بیش از حد اقتصادی مواجه بوده و انتظار می‌رفت این رونق بیش از حد، به‌نحوی تصحیح گردد. با وجود مخمصه‌ای که بحران اعتبار پیش آورده، اکنون لتونی با ریسک کاهش شدید فعالیت‌های اقتصادی مواجه است. اقتصاد این کشور تاکنون از رشد دو رقمی به رکود رسیده است. دیون خارجی بخش بانکی و بدهی‌های کوتاه‌مدت زیاد هستند ضمن آنکه ذخایر ارزی محدود و نبود اعتبار نیز احساس می‌شود.

تأثیر بر ریسک کشوری: نیاز به تأمین مالی، لتونی را آسیب‌پذیر و کمک‌های خارجی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. اگر لتونی سقوط کند، ممکن است دیگر کشورهای حوزه بالتیک نیز دچار مشکل شوند. استونی دچار رکود و لیتوانی با مشکلات مشابهی مواجه هستند گرچه موقعیت خارجی متعادل‌تری دارند. اگر بانک‌های مادر اسکاندیناوی کمک نمایند، شاید مشکلات بخش بانکی تا حدی تخفیف یابد. پس از شکست کامل ایسلند، آمادگی «صندوق بین‌المللی پول» (IMF)، بانک مرکزی اروپا (ECB) و بانکهای مرکزی اسکاندیناوی می‌تواند سیستم مالی در حوزه بالتیک را از فروپاشی نجات دهد.

اکوادور: اصلاح قانون اساسی راه را برای مداخله‌گری دولت هموار می‌سازد

وقایع: قانون اساسی جدید ملی که پس از یک رفراندوم مناسب اتخاذ گردید، قدرت رئیس جمهور (Correa) را افزایش می‌دهد زیرا ممکن است وی کنگره را منحل ساخته و تا سال ۲۰۱۷ مجدداً انتخاب شود. همچنین این قانون، راه را برای افزایش مداخله‌گری دولت در بخش خصوصی هموار می‌سازد. به منظور ایجاد «سوسیالیسم قرن بیست و یکم»، رئیس جمهور «کوریا» کنترل دولت بر اقتصاد افزایش خواهد داد. در عمل، این به معنای پایان بخشیدن به بانک مرکزی مستقل و احراز جایگاهی ملی‌گرایانه‌تر در سیاست اقتصادی است. قانون اساسی پیش‌بینی نموده که شاید اکوادور، دیون خارجی خود را که از دیدگاه این قانون «غیرقانونی» است، تسویه نکند. به علاوه از آنجا که حق سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های استراتژیک مانند معدن، نفت و مخابرات کاهش می‌یابد، چشم‌انداز ملی‌شدن بیشتر در این بخش‌ها وجود دارد.

تأثیر بر ریسک کشوری: متن پرابهام قانون اساسی جدید، بی‌ثباتی قانونی و احتمال تصمیمات دلخواهانه دولت را افزایش می‌دهد که این خود می‌تواند شرایط تجاری را نامطلوب ساخته و با توجه به انتظار برای موضع‌گیری ستیزه‌جویانه‌تر «کوریا» در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کاهش دهد. این مسئله به کاهش تولید نفت نیز کمک می‌کند که با وجود اتکای اکوادور بر نفت و به ویژه در حالی که قیمت نفت در حال نزول می‌باشد، این کاهش تولیدات نفتی امری ناخوشایند خواهد بود.

نرخ پیش‌بینی شده برای رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا و اروپا مورد تجدید نظر قرار گرفته و کاهش داده شده است. بر طبق اعلام صندوق بین‌المللی پول، پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصاد آمریکا به ۰/۱ در سال ۲۰۰۹ کاهش یابد. با توجه به آنکه آمریکا هنوز ۲۱/۳٪ تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد، کشورهای نوظهور و در حال توسعه تحت تأثیر رکود آمریکا قرار خواهند گرفت.

گزارش اختصاصی از بحران اقتصادی جهان

نزول شدید قیمت کالاها

چشم‌انداز تیره اقتصادی باعث گردیده که کاهش بی‌سابقه‌ای در قیمت کالاها بوجود آید. قیمت نفت خام در ماه ژولای ۲۰۰۸ به ۱۴۷ دلار در بشکه رسید، این درحالیست که در ۲۷ اکتبر با قیمت ۶۱ دلار در هر بشکه معامله گردید. کاهش شدید تولیدات نفت اعلام شده از سوی اپک (۱/۵ - میلیون بشکه در روز) نتوانست روند نزولی قیمت‌های نفت را معکوس نماید. این مسئله به طور اخص کشورهای هم‌چون اکوادور، ایران، ونزوئلا، و روسیه که سیاست‌های خود را بر اساس قیمت‌های بالای نفت برنامه‌ریزی کرده‌اند، بسیار چالش برانگیز خواهد بود. اگرچه بازار سهام در خاورمیانه نیز سقوط کرد و بانک‌های منطقه تحت تأثیر بحران بخش مالی آمریکا قرار گرفته‌اند، ولی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) احتمالاً بتوانند خود را از این بحران بیرون بکشند. بسیاری از کشورهای این حوزه، ذخایر احتیاطی مالی ایجاد کرده‌اند و در برنامه‌ریزی بودجه خود قیمت پایه نفت را بسیار محافظه‌کارانه در نظر گرفته‌اند. البته، هنگامی که اقتصاد جهانی رو به بهبود بگذارد، قیمت‌های انرژی می‌تواند به سرعت افزایش یابد زیرا محدودیت منابع انرژی یک شبه از بین نرفته‌اند.

نه تنها نوسانات در قیمت نفت بی سابقه می باشد؛ بلکه بعد از روند نزولی قابل توجه قیمت مس، خبر افزایش حراج مسکن در آمریکا، معاملات سلف مس را یک روزه ۷٪ افزایش داد. قیمت کالاهای بی دوام^۱ و محصولات غذایی نیز از اوج خود نزول یافته اند. کاهش شدید قیمت محصولات کشاورزی نیز باعث شد آرژانتین نیاز بی سابقه ای به منابع مالی پیدا کند و احتمالاً بهمین دلیل است که رئیس جمهور این کشور تصمیم گرفت صندوقهای بازنشستگی را خصوصی سازی نماید.

بروز مشکل برای بسیاری از اقتصادهای نوظهور

با توجه به آنکه آمریکا و اروپا به سوی رکود پیش می روند، چشم انداز اقتصادی بسیاری از بازارهای نوظهور به سرعت رو به وخامت دارد. برای اولین بار در طی سالیان گذشته، انتظار می رود که حساب جاری برای آمریکای لاتین کسری پیدا کند، و رشد تولید ناخالص داخلی کل منطقه می تواند کاملاً به زیر ۳٪ در سال ۲۰۰۹ برسد. در مکزیک، حواله پول به داخل کشور به طرز چشمگیری کاهش یافته و بواسطه اینکه بانک مرکزی مجبور بود از پزو مکزیک حمایت نماید، ذخایر ارزی به شدت کم شده است. اعتماد در برزیل نیز در حال کم رنگ شدن است. شاخص بازار سهام به شدت سقوط نموده و پروژه های سرمایه گذاری بزرگ نیز به تعویق افتاده اند.

بازارهای بورس کشورهای آفریقای جنوبی نیز زبانهای عمده ای را تجربه کرده اند. رشد اقتصادی احتمالاً تا ۳٪ نزول خواهد یافت. در چنین شرایطی، تامین کسری رو به گسترش حساب جاری مشکل تر خواهد شد. جریان ورود منابع مالی بخش خصوصی به داخل کشور شامل سرمایه گذاری مستقیم خارجی، و همچنین کمکها و حواله های پولی به داخل کشور، احتمالاً در چندین کشور آفریقائی بتدریج متوقف خواهد شد. بنابراین علیرغم کاهش هزینه واردات سوخت و اقلام غذایی، شکاف منابع مالی می تواند بوجود آید.

برای چین که تقریباً ۲۰٪ کل صادرات آن به آمریکا می باشد، بر طبق بعضی پیش بینی ها رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۹ حتی به زیر ۸٪ خواهد رسید. در هند نیز احتمالاً رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ با رشد کندتری حدود ۷٪ خواهد بود. این نرخهای رشد چین و هند به ظاهر مطلوب بنظر می رسند، ولی می توانند عواقب جدی برای هر دو کشور و کل منطقه داشته باشند. بواسطه کاهش تقاضای چین، تجارت در داخل آسیا ممکن است کاهش یابد. کارخانه های سازنده کشتی در آسیا با لغو سفارشات و مشکلات مالی روبرو خواهند شد. ترس از سرایت بحران مالی و پاسخ کند سیاستگذارها به این مسئله در کره جنوبی، خرید و فروش سوداگرایانه پول این کشور، وون، را تشدید نمود. در پاکستان نیز به علت اضافه شدن نابسامانی های جهانی بر تنشهای سیاسی داخلی، اوضاع کشور کاملاً بهم ریخته است.

در هر حال اکثر کشورهایی که می بایست به منابع (اضطراری) صندوق بین المللی پول تکیه نمایند، در اروپا قرار دارند. کسری حساب جاری بیمارگونه و از دست رفتن اعتماد سرمایه گذاران، چشم انداز اقتصادی کشورهای نوظهور در اروپا را بدتر نموده به نحویکه اوکراین و مجارستان نمونه آسیب دیده ترین کشورها در این زمینه می باشند. بلاروس از صندوق بین المللی پول درخواست منابع مالی نموده، و ترکیه نیز امید به دریافت کمکهای جدید مالی از سوی این صندوق دارد.

خلاصه کلام

حمایت بخش دولتی از موسسات مالی و آسان سازی سیاستهای پولی در آمریکا و اروپا می تواند تا حدودی بحران اقتصادی را مهار نماید، ولی واضح است که این هرج و مرج به بازارهای نوظهور نیز رسیده است. این بحران احتمالاً بزرگتر از هر رکود اقتصادی اخیر (بعد از جنگ جهانی دوم) خواهد بود و زمان زیادی برای بهبود از آن نیاز خواهد بود. از سوی دیگر انتظار می رود که قصور در پرداختها در آینده نزدیک افزایش یابد.

¹ soft commodity این نوع کالاها در بازار بورس غیر فلزی معامله شده و شامل کاکائو، قهوه، شکر، غلات ... می باشند.